

گزینه‌های ایران در روابط خارجی بر اساس سیاست نگاه به شرق

دکتر نوذر شفیعی^۱

زهرا صادقی^۲

(تاریخ دریافت ۸۸/۲/۲۲ - تاریخ تصویب ۸۸/۵/۲۵)

چکیده

یکی از تحولاتی که پس از انقلاب در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به وقوع پیوست، طرح سیاست نگاه به شرق در دولت نهم می‌باشد. سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران از جمله سیاست‌های راهبردی است که با هدف توازن بخشیدن به مراودات سیاسی و اقتصادی با کشورهای غربی از یک سو، و کشورهای جنوب شرق آسیا با توجه به امکانات بالقوه آن‌ها صورت می‌گیرد. با توجه به این که سیاست نگاه به شرق بعد از انقلاب مطرح شده، اما با روی کار آمدن دولت نهم، جنبه رسمی‌تری به خود گرفت و دستگاه سیاست خارجی ایران آن را به طور جدی در دستور کار خود قرار داده است که این امر ناشی از مسأله هسته‌ای ایران و تهدیدهایی است که از سوی غرب بر ایران وارد می‌شود. از این رو، اولین اقدام در عرصه سیاست خارجی دولت نهم مقابله با شرایط تهدیدآمیزی است که از سوی نظام سلطه جهانی به سرکردگی امریکا علیه ملت ایران تحمیل می‌شود. از این نظر پرداختن به مسأله هسته‌ای در کانون دیپلماسی دولت نهم قرار گرفت. از این رو یکی دیگر از ارکان یا مؤلفه‌های دولت نهم در زمینه سیاست

۱- استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، Shafiee2@hotmail.com

۲- کارشناس ارشد علوم سیاسی، z.sadeghei@gmail.com

خارجی، متنوع ساختن گزینه‌های سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. دولت نهم قائل به محدود شدن روابط خارجی با چند دولت قدرتمند از قبیل کشورهای اروپایی نیست و سعی در استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود برای تعامل با سایر کشورها از قبیل دولت‌های منطقه‌ای، امریکای لاتین، روسیه و چین دارد که در تقابل با چین رویکردی است. اما این که کشورهای آسیایی ظرفیت‌های لازم را در برابر کشورهای غربی در سیاست نگاه به شرق ایران می‌توانند داشته باشند، مسأله‌ای است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، روابط خارجی، شرق، غرب.

مقدمه

ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی موضوع سیاست نگاه به شرق و منطقه‌گرایی را به شدت دنبال نموده است. این سیاست در مجموع اهداف، راهبردها و سیاست‌های خارجی ایران و منعکس در قانون جمهوری اسلامی ایران است. رجحان روابط با همسایگان، کشورهای مسلمان و کشورهای در حال توسعه همگی در چتر سیاست نگاه به شرق و منطقه‌گرایی ایران قابل جمع شدن است. ایران در سال‌های انتهایی قرن بیستم نگاه ژرف تری به کشورهای ماوراء همسایگان جدید انداخت و عمق استراتژیک خود را در همکاری با کشورهای آسیایی یافت. چین، هند، مالزی، اندونزی و ژاپن کشورهایی بودند که با توجه به هویت آسیایی خود، جمعیت فراوان، رشد سریع و پیشرفت در بخش‌های صنعتی و تکنولوژی توجه ایران را جلب نمودند. همچنین در سال‌های اول قرن بیست و یکم به تدریج بازارهای تقاضای انرژی به صورت کلی و سوخت‌های فسیلی به صورت خاص از اروپا و امریکا به شرق متمایل گردید و با توجه به نیاز فزاینده به نفت و گاز در کشورهای چین، ژاپن، هند و ایران؛ تعادل عرضه تقاضا را در تعامل بیشتر با کشورهای آسیایی دید. در واقع باید گفت از زمان شروع فعالیت دولت نهم، توجه به همکاری‌های منطقه‌ای به ویژه با کشورهای شرق، افزایش یافته و قالب تئوری نگاه به

شرق، مورد توجه قرار گرفت. همسو کردن منافع اقتصادی و سیاسی، مبنای اصلی این رویکرد است و تهدیدات غرب و امریکا در مورد پرونده هسته‌ای نیز شکل‌گیری این رویکرد را تسریع نموده است.

سیاست نگاه به شرق دولت نهم فقط در روابط دو جانبه خلاصه نمی‌شود، بلکه به دنبال تقویت همکاری‌های منطقه‌ای کشور است که بر مبنای منافع اقتصادی نیز شکل گرفته است. دولت، اقتصاد را در خدمت دیپلماسی می‌خواهد و بر این اساس می‌خواهد وابستگی کشور نسبت به بلوک‌هایی که همکاری لازم را با ایران در مسائل سیاسی ندارند، کمتر شود و در مقابل توجه به آسیا و کشورهای شرقی که تناسب بیشتری با ایران دارند، در دستور کار قرار گیرد و بسیاری از همکاری‌ها با کشورهای مثل: مالزی، چین، ژاپن و روسیه صورت گیرد که البته این مهم در قالب پیمان‌های منطقه‌ای پیگیری خواهد شد.

آنچه این مقاله در پی آن است اینکه ایران در مناسبات خود با شرق بیشتر بر روی کدام کشورها تأکید می‌کند و این کشورها تا چه حد می‌توانند در این سیاست نقش مثبتی را بازی کنند؟

فرضیه این تحقیق این است که هدف ایران در روابط خارجی خود گسترش مناسبات گسترده با مناطق مهم دنیاست و تا به امروز ایران در این مناسبات نشان داده که از توانایی و ظرفیت بالایی برخوردار است. قطعاً از جمله کشورهای ایران سعی در گسترش روابط با آن‌ها را دارد، کشورهای هستند که بتوانند اهرم فشاری در برابر تحریم‌ها و تهدیدهای غرب باشند. کشورهای مثل: مالزی، چین، ژاپن و روسیه و هند را می‌توان گزینه‌های بسیار مناسب برای اهداف ایران دانست.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق سعی می‌شود با کمک بحث‌های نظری در مورد شرق‌شناسی، روابط ایران را با کشورهای ذکر شده بررسی نماییم.

در طول تاریخ روابط ایران با کشورهای شرق و غرب بر اساس همین ویژگی‌های

فرهنگ و مذهب، سنت‌های تاریخی و ظرفیت‌های بالقوه ایران فراز و نشیب‌هایی داشته است. اختلافات ایران با غرب از جمله مشغولیات همیشگی سیاست خارجی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی است، حتی در قبل نیز سیاست خارجی ایران بدون هر گونه تفاوت و یا در هماهنگی کامل با منافع غرب نبود. پس از انقلاب سیاست‌های استقلال‌گرایانه ایران باعث تشدید اختلافات این کشور با کشورهای غربی گردید. اما در طول دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی این اختلافات با تدبیر دو طرف مدیریت شده و در سطح سیاسی و اقتصادی باقی ماند (ملکی، ۱۳۸۶: ۵).

در حال حاضر مهمترین اختلافی که ایران با کشورهای غربی به ویژه، با امریکا دارد بر سر مسئله هسته‌ای ایران است. فشارها و تحریم‌هایی که غرب به ایران وارد کرده، سبب شده است که ایران برای ایستادگی در برابر فشار و تهدید غرب و تغییر جهت‌گیری شورای امنیت، سیاست نگاه به شرق را در سیاست خارجی خود اتخاذ کند.

مبانی نظری سیاست نگاه به شرق

در بحث «نگاه به شرق»، موضوع را به نحو اجمالی می‌توان از سه منظر شرق فکری- فرهنگی (ایدئولوژیک)، شرق فنی- اقتصادی (تکنولوژیک) و شرق سیاسی- نظامی (استراتژیک) مورد مطالعه قرار داد. در عرصه اندیشه و نظریه بررسی گذرای شرق فکری نشان می‌دهد که نظام فکری- فرهنگی غرب، بخش مسلط و غالب فرهنگ شرق است و غرب‌گرایی تا آن اندازه در فرهنگ فعلی شرق نفوذ کرده که فرهنگ ویژه چینی و روسی در این دو کشور به فرهنگ غالب درآمده است.

در زمینه فکری- فلسفی نیز هیچگاه روسیه و یا چین در مقابل نظام‌های اندیشه غربی حرفی برای گفتن نداشته‌اند. پیروزی فلسفی غرب وقتی با پیشرفت دانش تجربی و علوم مربوط به آن درآمیخت و توسعه پیدا کرد؛ در قالب رنسانس، طی دو سده، خود را به دیگر فرهنگ‌های بشری تحمیل کرد و به صورت تولیدکننده اصلی علم و فلسفه درآمد، سپس با دستیابی به پیروزی‌های پر دامنه در دیگر عرصه‌های اقتصادی و سیاسی نقش فرهنگ ملی و خاص روسی و چینی را تا حد یک مقوله تاریخی و نه عنصری اصلی و

تعیین‌کننده تقلیل داد.

با پایان یافتن جنگ سرد فرهنگ و تنوع قومی در شرق به دلیل رشد و توسعه و فزاینده اقتصادی به سوی هویت جدیدی گام برمی‌دارد که به «هویت آسیایی» معروف است. در بعد فنی - اقتصادی می‌توان بیان کرد که شرایط اقتصادی شرق آن را وامی‌دارد که نگاهش بر اقتصاد، صنعت و بازار غرب محدود شود و از روابط اقتصادی با دیگر کشورها تنها تا آن حد منتفع شود که به انتفاع اصلی‌اش از غرب زبانی وارد نشود. آن‌ها در روابط خود با ما به عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی گاز و نفت جهان از فرصت‌های تقابلی ما با غرب بهره برده و سهم بیشتر و بهتری را از صنعت نفت و گاز ما جستجو می‌کنند. در همین رابطه، موقعیت و توانمندی‌های ایران به ویژه در زمینه انرژی، امنیت انرژی و ترانزیت؛ زمینه‌های مناسبی را برای همکاری ایران با کشورهای شرق آسیا فراهم آورده است. در این ارتباط دو بازار بسیار بزرگ و رو به توسعه در زمینه انرژی در هند و چین قرار دارد که می‌تواند بازارهایی پایدار برای ایران تلقی شود. در واقع، توسعه اقتصادی دو کشور به شدت نیازمند استمرار انتقال انرژی از منابع جدید مانند نفت و گاز ایران باشد.

در این رابطه، یکی از مهمترین فرصت‌های ایران در احداث خط لوله گاز به کشورهای آسیایی، خط لوله ایران به پاکستان و هند معروف به خط لوله صلح است که با توجه به امکان امتداد خط لوله مذکور به چین، بر اهمیت ژئوپولیتیک آن بیش از پیش افزوده شده است (احدی و عامری، ۱۳۸۷: ۲۷).

بعد سیاسی و نظامی از مقوله‌های مورد توجه در مناسبات ایران با کشورهای آسیایی، امنیت‌سازی در آسیا و ایجاد سازوکارهای امنیتی منطقه‌ای مناسب می‌باشد. در حال حاضر، روابط میان کشورهای آسیایی بر مبنای اصل منافع مشترک قرار ندارد و تا کنون این کشورها نتوانسته‌اند یک رابطه مشترک امنیتی تعریف کنند. در حالی که یکی از اصلی‌ترین عناصر برای ایجاد همبستگی آسیایی تضمین امنیت و بقای کشورهای این قاره در تعاملات خود با یکدیگر است. طراحی و استقرار یک سیستم امنیت دسته جمعی

آسیایی با هدف مدیریت بحران برای حل و فصل مناقشات اقدامی است که می‌توان از طریق ظرفیت‌های موجود در آسیا به آن تحقق بخشید. در این رابطه جمهوری اسلامی ایران با توجه به توانایی‌های بالقوه منطقه‌ای می‌تواند نقش سازنده‌ای را در ایجاد سیستم امنیت دسته جمعی آسیایی ایفا کند. از سوی دیگر در یک رویکرد عملگرایانه به سیاست نگاه به شرق، ایران می‌تواند به تقویت و تضمین مناسبات دوجانبه با کشورهای شرقی توجه کند و پیوندها و اتصالات دراز مدتی را که متضمن منافع طرفین باشد، برقرار سازد. با این حال در شرایط در حال گذار جهانی و تحولاتی که در آسیا در حال وقوع است، جمهوری اسلامی ایران بیش از هر زمان دیگری لازم است روابط خودش را در میان مدت و درازمدت در زمینه‌های گوناگون سیاسی اقتصادی و فرهنگی با کشورها و قدرت‌های آسیایی تعریف کند (احدی، ۱۳۸۵: ۷).

تحلیل عینی سیاست نگاه به شرق

سیاست نگاه به شرق، اصطلاحی ژئوپلیتیکی است که معمولاً در مقابل سیاست نگاه به غرب به کار برده می‌شود. اگرچه به کار بردن این اصطلاح برای تبیین جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها از کشوری به کشور دیگر ممکن است متفاوت باشد، اما این جهت‌گیری معمولاً وقتی در دستور کار تصمیم‌گیری کشورها قرار می‌گیرد که بین منافع آن کشور یا کشورها در تقابل با غرب نوعی تضاد و اصطکاک بروز کند (شفیعی، ۱۳۸۵: ۵).

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در ارتباط با سیاست خارجی ایران بعد از روی کار آمدن دولت نهم مطرح شده، بحث سیاست نگاه به شرق و گسترش مناسبات ایران با کشورهای آسیایی است. در واقع عدم دستیابی به بازده مناسب از روابط ایران با کشورهای غربی موجب شد تا بار دیگر گسترش روابط ایران با شرق مورد توجه قرار گیرد. خصوصاً در خصوص روابط ایران با کشورهای غربی از سال ۲۰۰۳ میلادی به حالت بحرانی رسیده و از رقابت‌های سیاسی و اقتصادی به منازعات امنیتی و نظامی رسیده است. پرونده هسته‌ای باعث تشدید فشارهای غرب در محدودسازی ایران در دسترسی به فناوری‌های پیشرفته،

عدم دستیابی به توافقات عمومی مانند قرارداد تجاری مابین اتحادیه اروپا و ایران، ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل و تدوین تحریم‌های عمده تکنولوژی، مالی و تهدید به استفاده از تحریم‌های گسترده‌تر شده است (ملکی، ۱۳۸۶: ۸).

مواضع ضد صهیونیستی و ضد امریکایی و دفاع مقتدرانه از حق مسلم ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و به چالش کشیدن سیاست‌های غرب در منطقه خاورمیانه و سراسر جهان اسلام و زیر سؤال بردن موجودیت نامشروع رژیم غاصب صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران را در شرایط نوینی قرار داد و از موضع متهم به موضع مدعی تبدیل کرد (زارعی، ۱۳۸۶: ۱۳). ایران با گرایش خود به کشورهای آسیایی می‌تواند اولاً برای استفاده از ظرفیت‌های همکاری با کشورهای شرقی و شمالی خود برای روزهای سخت، برنامه‌ریزی داشته باشد. ثانیاً از پتانسیل این کشورها برای مقابله با تحریم‌ها و تهدیدات استفاده کند (اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲). اکنون استفاده از امکانات دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز می‌تواند به عنوان مکمل و یا بدیل‌هایی برای مجاری سنتی ارتباط ایران در خلیج فارس و از طریق ترکیه مدنظر باشد. اما نکته‌ای که باید متذکر شد این است که سیاست نگاه به شرق باید هم از سوی غرب و هم از سوی شرق (کشورهای شرقی) به طور جدی دنبال شود؛ به ویژه این که کشورهای شرقی این سیاست را باور داشته باشند، چرا که از یک طرف، در بعد سیاست بین‌الملل، ایران در منطقه از موقعیت خاص و حساس برخوردار است؛ به خصوص که اکنون با غرب و به ویژه آمریکا دچار چالش می‌باشد و در زمینه سیاست خارجی با سیاست مهار و مقابله آمریکا مواجه است. از طرف دیگر، بسیاری از کشورهای شرقی از جمله هند و پاکستان به عنوان معتمدان اصلی آمریکا و یا چین و روسیه که در زمینه مبارزه با تروریسم، رویکرد متفاوتی با آمریکا دارند و در عین حال تلاش کرده‌اند تا در این زمینه به آمریکا نزدیک‌تر شوند.

در نتیجه، آنچه که در این جا اهمیت پیدا می‌کند، برخورداری ایران از سازوکارهای دیپلماتیک، به منظور توسعه جو اعتماد در برقراری فضای حسن نیت در سطح جهان و به ویژه، کشورهای همسایه است. به هر حال ایران باید در «سیاست نگاه به شرق» با تعمق

بیشتری به تعامل با قدرت‌های بزرگ و از جمله با کشورهای همسایه شرقی خود پردازد.

افول غرب و احیای شرق

تحولات عرصه بین‌الملل در حالی روند تازه‌ای به خود گرفته که روند رخدادها بیانگر افول قدرت غرب و بازیگری فعال‌تر شرق در عرصه جهانی است. در این چارچوب غرب به عنوان اروپا و امریکا و شرق متشکل از چین، روسیه، هند و ایران می‌باشد. بسیاری از ناظران سیاسی و حتی دستگاه‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی جهان تأکید دارند که دیگر عصر یک جانبه‌گرایی غرب به پایان رسیده و این کشورهای شرقی هستند که می‌توانند بازیگران فعالی در معادلات جهانی باشند. در این چارچوب حتی شورای اطلاعات امریکا نیز اعتراف کرده که قدرت امریکا در حال افول است و در دو دهه آینده چین، روسیه، هند و حتی ایران؛ بازیگری اصلی خواهند بود. بررسی روند تحولات کنونی عرصه جهانی نیز نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها و اتحادیه‌های منطقه‌ای بر اصل کاهش روابط با امریکا و اروپا و توسعه مناسبات با کشورهای شرقی تأکید دارند. نمونه بارز این نگرش را می‌توان در توسعه روابط کشورهای آفریقایی، امریکای لاتین و حتی حوزه خاورمیانه و اروپا با کشورهای چین، روسیه و هند مشاهده کرد. در بررسی دلایل گرایش کشورها به شرق و قدرت‌یابی آن‌ها در آینده می‌توان چند نکته را مورد ارزیابی قرار داد:

۱- بحران اقتصادی جهان نشان داد که نظام سرمایه‌داری در حال فروپاشی است و دیگر اعتمادی به آن وجود ندارد. اما اقتصاد شرق که ترکیبی از اقتصاد دولتی و آزاد بوده، توانست در برابر بحران اقتصادی مقاومت نموده و بحران مذکور تأثیر چندانی بر آن نداشته باشد.

۲- سیاست‌های غرب در چند دهه اخیر به ویژه در سال‌های کنونی که با اشغال عراق و افغانستان همراه بود، نشان داده که سیاست غرب بر اساس سیاست کشتار می‌باشد؛ در حالی که افکار عمومی جهان در چارچوب صلح حرکت می‌کند. در این زمینه می‌توان گفت که اکنون با توجه به این که شرق،

دیدگاهی جنگ طلبانه ندارد و بیشتر از روش دیپلماتیک استفاده می‌کند، سایر کشورها تلاش می‌کنند تا برای به انزوا کشاندن غرب و اعلام انزجار از سیاست‌های آن‌ها، به کشورهای شرقی روی آوردند که نمونه آن را در مناسبات گسترده اقتصادی چین و روسیه با سایر کشورها و همچنین گسترش ارتباطی ایران با کشورهای آسیایی و آفریقایی می‌توان مشاهده کرد (اصغری، ۱۳۸۷: ۱).

در واقع سیاست‌های جنگ طلبانه امریکا و اروپا به ویژه در عراق و افغانستان که به تسریع روند بحران اقتصادی در غرب منجر شد، شرایطی را فراهم آورد تا سایر کشورها به توسعه مناسبات با قدرت‌های جدید عرصه بین‌الملل نظیر چین، هند و روسیه روی آوردند که نتیجه آن، انزوای غرب و قدرت‌یابی شرق بوده است. این امر می‌تواند در آینده ضمن چند قطبی کردن نظام بین‌الملل، جایگاه جدیدی برای شرق در معادلات جهانی تعریف سازد که مسلماً پیامدهای منفی برای غرب به همراه خواهد داشت.

سیاست خارجی ایران در قبال مسأله هسته‌ای

پس از ۱۱ سپتامبر، امریکایی‌ها در پرتو بازتعریف جدید از نظم جهانی بر آن شدند که یکی از مؤثرترین راه‌ها برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی، تغییر ساختار کشورهایی است که کانون بستر رشد و توسعه تروریسم بوده‌اند. به نظر امریکایی‌ها، این کشورها گذشته از این که هیچ الفتی با حقوق بشر ندارند، برخی از آن‌ها در طلب دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی به ویژه سلاح‌های هسته‌ای کشتار جمعی هستند که از چند جهت سبب نگرانی برای صلح و امنیت بین‌المللی خواهد بود. یکی آن که این کشورها غالباً غیر مسئول بوده و دچار بحران‌های بالقوه اجتماعی و سیاسی هستند. دوم آن که در صورت دسترسی آن‌ها به سلاح‌های هسته‌ای، یک روند دامینو بر منطقه حاکم می‌شود و دیگر کشورها هم به دنبال این مقصود خواهند بود. بالاخره، از آن جایی که برخی از آن‌ها حامی تروریسم به شمار می‌روند، چه بسا ممکن است این سلاح‌ها به طریقی به آن‌ها منتقل گردد و بدین ترتیب سبب تقویت تروریسم و تهدیدهای جدی برای جامعه

بین‌المللی شود (باوند، ۱۳۸۵:۳۳۲، ترک‌زهرانی، ۱۳۸۵:۳۸۹).

در پرتو این استدلال، امریکا ابتدا علیه القاعده و سپس عراق، دست به اقداماتی زد و به موازات آن چالشی گسترده را علیه کره شمالی و ایران صورت داد. اما کشور ایران صرفاً خواهان استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌جویانه بوده و هیچ‌گونه قصد و نیتی برای هدف‌های نظامی نداشته است و حتی در ایجاد مناطق عاری از سلاح‌ها هسته‌ای، مساعی خاصی را در پیش گرفته است.

دیپلماسی هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۶ شمسی، مبتنی بر پاسخگویی در ابعاد فنی و حقوقی و گرفتن هر گونه بهانه از امریکا و برخی از هم‌پیمانان آن بود. در این راستا تلاش گردید که تنها بر تعهدات و حقوق ایران در چهارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پادمان مورد توافق با آژانس تأکید نموده و عوامل سیاسی زائد در گفتگوها به حاشیه رانده شود. بعد از آن نیز علاوه بر پیگیری‌های مربوط به تکمیل عملیات احداث نیروگاه بوشهر، اقدامات لازم برای ورود ۸۸ تن سوخت این نیروگاه از کشور روسیه انجام شد. به منظور شفاف‌سازی و اعتمادسازی فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان، به دنبال چند دور مذاکره با خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و نماینده گروه ۵+۱ و همچنین محمد البرادعی دبیر کل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نهایتاً توافق شد که طی ۶۰ روز طرح اقدام (یا مدالیتی) برای حل و فصل مسائل و ابهامات باقی مانده آژانس در مورد برنامه هسته‌ای ایران تنظیم شود که این اقدام ظرف ۴۰ روز صورت گرفت و در طرح اقدام شش موضوع مشخص به عنوان موضوعات باقی مانده تعیین و سؤالات آژانس در اختیار ایران قرار گرفت. بر اساس طرح اقدام، حل و فصل شش موضوع به ۱۸ ماه زمان نیاز داشت، اما جمهوری اسلامی ایران بنا بر حسن نیت خود، طی شش ماه، پاسخگویی به این سؤالات را به سرانجام رساند و در نتیجه مدیر کل آژانس در گزارش سوم اسفند ۸۷ خود، حل و فصل و بسته شدن هر شش موضوع را رسماً اعلام نمود. آقای البرادعی در ماه نوامبر (آبان ماه ۸۷) نیز گزارش مثبتی را ارائه نموده و در آن حل و فصل سه موضوع را عنوان نموده بود. سیاست جمهوری

اسلامی ایران سبب شد که علاوه بر ادامه فعالیت‌های غنی‌سازی، حسن نیت ایران برای شفافیت و همکاری با آژانس جهت حل مسائل گذشته به نمایش گذاشته شود و از این رو، با اطمینان باید گفت که تأثیر این سیاست، بر صدور گزارش‌های البرادعی و سپس اذعان نهادهای اطلاعاتی امریکا نمایان گردید. با حل مسائل باقی مانده، بسیاری از مباحث و استدلال‌های امریکا و هم‌پیمانان غربی آن برای ارجاع موضوع هسته‌ای ایران از آژانس به شورای امنیت و قطعنامه‌های صادره، فرو ریخت. این سیاست حاصل ایستادگی و پافشاری بر حقوق حقه ملت ایران بود و بار دیگر اثبات کرد که اقدامات چند کشور خاص تنها برخاسته از نیت و اغراض سیاسی آنها است و هیچ مبنای قانونی و مطمئنی ندارد (حسینی، ۱۳۸۷: ۳).

در مورد رابطه مسأله هسته‌ای و سیاست خارجی ایران چند نکته را باید مورد توجه داشته داشت.

اول این که نظام جمهوری اسلامی ایران حتی اگر چرخه سوخت را به دست آورد ولی در نظام بین‌الملل و در شرایط داخلی، دچار بحران‌های شدیدی شود؛ ارزش ندارد. یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران باید قدرت لازم را داشته باشد تا بتواند هدف‌های خود را طوری پیش برد که برای حیات و بقای ملی، بهتر و مفیدتر باشد.

دوم: ادبیات برخورد با این مسئله خیلی اهمیت دارد. ما نبایستی وارد ادبیاتی شویم که موانعی را برای تحقق اهداف مورد نظر ما ایجاد کند.

سوم: لازم است درک درستی از منابع داخلی در مورد مسأله هسته‌ای داشته باشیم و منابع داخلی ما برای تحقق اهدافمان کفایت لازم را داشته باشد.

چهارم: منافعمان را در تعارض و مقابله با منافع دیگران تعریف نکنیم، در غیر این صورت طبیعی است که دیگران از تحقق اهداف ما ممانعت به عمل آورند (چگینی‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۸۲ و هادیان، ۱۳۸۵: ۳۷۷).

بنابراین چرخه سوخت باید به عنوان مسیری باشد که جمهوری اسلامی ایران از دل آن مسیر درصدد پر کردن خلأهای استراتژیک خود بوده و آن را به عنوان فرصت جمعی

تعریف نماید تا بتواند گام‌های مؤثرتر و جدی‌تری در این راه بردارد. در این جریان، عملکرد رسانه‌های غربی در قبال ایران را نباید دست کم گرفت. رسانه‌های غربی، پرونده هسته‌ای ایران را جزئی از اسلام در برابر غرب می‌بینند و همواره ایران را بخشی از تهدید اسلام و غیر قابل اعتماد معرفی می‌کنند و ایران را با نام‌های «رژیم بنیادگرای اسلامی» و «رژیم تندروی اسلامی» معرفی می‌کنند. رسانه‌های غربی سعی دارند نشان دهند ایران مقررات معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای را نقض کرده است و نباید به این کشور فرصت پیگیری اهدافش را داد (گوهری مقدم، ۱۳۸۷: ۳).

در مجموع، رسانه‌های غربی با انتخاب گزینشی برنامه هسته‌ای ایران، سعی در پیشبرد اهداف خود داشته و پیش‌فرض همه آن‌ها نوع حکومت ایران (اسلامی بودن آن) می‌باشد که حتی قبل از برنامه هسته‌ای، به عنوان تهدیدی برای غرب مطرح می‌شود. از سوی دیگر عدم توجه این رسانه‌ها به سیاست‌های جهانی خلع سلاح و عدم اشاعه قدرت‌های بزرگ نشان می‌دهد آن‌ها در انتقاد از سیاست‌های رسمی خود، دچار محدودیت‌هایی هستند (گوهری مقدم، ۱۳۸۷: ۵).

در مقابل، یکی از بهترین راه‌ها و پاسخگویی، اقناع و تبلیغات رسانه‌ای ایران در پرونده هسته‌ای باید معطوف به اعتبارزدایی و ابطال بنیان‌های نظری و مفروض‌های سخنان و تبلیغات رسانه‌ای قدرت‌های غربی باشد (حمیدی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). دیپلماسی و توجه به درون‌مایه‌های دیپلماتیک در سیاست خارجی و ایستادگی بر حق ایران برای دنبال کردن برنامه هسته‌ای خود در کنار به کارگیری ظرافت‌های دیپلماتیک با برطرف کردن کاستی‌های آن، می‌تواند کارآمد باشد.

سیاست خارجی ایران در منطقه

از اهداف مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تضمین مطمئن امنیت کشور در قبال بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای و دستیابی به حداکثر امکان همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی با همسایگان و دیگر کشورهاست (تاجیک، ۱۳۸۰: ۲۷). از این رو چرایی نیاز ایران به گسترش همکاری‌های منطقه‌ای را می‌توان در عوامل زیر

جستجو کرد:

۱- برای دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای که طبق سند چشم‌انداز بیست ساله به عنوان هدف تعیین شده است، لاجرم می‌باید در سال ۱۴۰۴ شمسی، ایران کشوری باشد که با توسعه‌یافتگی و پیشرفت‌های تکنولوژی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه آسیای جنوب غربی نایل آید. برای رسیدن به این هدف باید متوسط نرخ رشد اقتصادی ۸ درصد باشد که این امر جز از طریق همکاری‌های منطقه‌ای قابل تحقق نمی‌یابد؛

۲- تقویت مناسبات خارجی از طریق گسترش روابط دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی، تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی و تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست در منطقه به یک قطب منطقه‌ای در ابعاد اقتصادی، علمی، فناوری، و صنعتی که در برنامه پنج ساله چهارم مورد تأکید قرار گرفته است؛

۳- سیاست‌های دولت نیز بر ضرورت ایجاد توازن و عدالت در روابط بین‌المللی و نفی روابط سلطه تأکید دارد. تقویت نگاه به شرق و توسعه مناسبات با همسایگان، کشورهای اسلامی و جهان سوم نیز از اولویت‌های دولت است. این دولت همچنین بر تقدم نگاه منطقه‌ای در روابط بین‌الملل و گسترش سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای تأکید می‌نماید؛

۴- در شرایط جدید منطقه‌ای و جهانی، همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند تضمین‌کننده امنیت سیاسی و اقتصادی کشور باشد. با توجه به تهدیدات ناشی از پیگیری پرونده هسته‌ای، ضرورت استفاده از بازدارنده‌های مختلف برای مقابله با این تهدیدات ضروری است (شیخ عطار، ۱۳۸۷: ۵ و حقیقت، ۱۳۷۶: ۳۸).

در آسیا علاوه بر سازگاری‌های فرهنگی و تمدنی قابل توجه کشورها با ایران، توسعه این قاره، استدلال مناسبی را برای افزایش مناسبات فراهم می‌کند. آسیا از حالت پرمجمعیت‌ترین قاره فقیر جهان خارج شده و روند توسعه در این قاره و از جمله در میان

پرجمعیت‌ترین کشورهای آن یعنی چین و هند که آنان نیز میراث‌دار تمدن‌های بزرگ بشری هستند؛ چهره این منطقه را متفاوت نموده است و به این قاره با شاخص‌های متحیرکننده نرخ رشد و سهم آن در رشد جهانی و جهش‌های اقتصادی باور نکردنی و رقابت جهانی و مسائلی از این دست نگاه می‌شود (امین‌زاده، ۱۳۸۶: ۶).

ایران با چنین نگاهی به آسیا به عنوان شریک مهم استراتژیک برای توسعه، صنعت و تجارت می‌نگرد. آسیایی‌ها هم به ایران به عنوان یک شریک استراتژیک برای تأمین انرژی و بازار تولیدات و خدمات کشورهای آسیایی می‌نگرند. در واقع روابط اقتصادی ایران و کشورهای آسیایی یک نیاز متقابل توسعه‌ای می‌باشد.

لازمه ایجاد ارتباط با کشورهای منطقه، برخورداری از یک نوع دیپلماسی منطقه‌ای است که در واقع فعالیتی بین‌المللی در سطحی میانه است که بیشتر در سازمان‌های منطقه‌ای متجلی می‌شود. ایران با توجه به روابط گسترده‌ای که با کشورهای آسیایی به ویژه با قدرت‌های این منطقه دارد، و گسترش این روابط در سال‌های اخیر، می‌تواند در سیاست نگاه به شرق نیازهای توسعه‌ای و اقتصادی خود را تأمین کند (شیخ‌عطار، ۱۳۸۷: ۳).

مهمترین کشورهایی که ایران در سال‌های اخیر نگاه ژرف‌تری به آن‌ها دارد چین، هند، روسیه، مالزی، اندونزی، ژاپن و پاکستان است که می‌تواند روابط خود را با این کشورها در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترش دهد.

روابط ایران و روسیه

روابط و همکاری‌هایی که ایران و روسیه از چندین قرن پیش تا کنون داشتند؛ علی‌رغم این که حافظه تاریخی ایرانیان از تعدی‌ها و دشمنی‌های همسایه شمالی رنجور بوده اما به هر حال نکته‌های مثبتی را نیز می‌توان در گذشته، حال و آینده در روابط این دو کشور مشاهده کرد. پیشینه روابط دو کشور قبل از انقلاب اسلامی ایران نشان از یک نوع رابطه دست‌نشانده‌گی دارد که جلوه بارز آن در قرارداد ۱۹۰۷ میلادی نمود پیدا کرد. در این قرارداد ایران به مناطق نفوذ شوروی و انگلستان تقسیم شد. انقلاب اکتبر سرآغاز روابط جدید روسیه با همسایگان خود بود. لنین در دسامبر ۱۹۱۷م. در اعلامیه‌ای خطاب به

مسلمانان شرق، پایان استعمار شوروی را اعلام کرد؛ بنابراین، قراردادهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۷ میلادی را باطل اعلام کرد (عمادی، ۱۳۸۷: ۱).

پس از جنگ جهانی دوم روابط ایران و شوروی تحت تأثیر مسأله امتیازهای نفتی قرار داشت. پس از سقوط دولت مصدق و انعقاد پیمان بغداد در فوریه ۱۹۵۵ میلادی، روابط ایران و امریکا بسیار نزدیک شد که این امر سبب تیره شدن روابط سیاسی دو کشور ایران و شوروی شد. هر چند که توافق‌های اقتصادی و بازرگانی بسیاری در سال‌های ۱۹۶۴، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۰ میلادی منعقد گردید، ولی شوروی همچنان نگران گرایش‌های غرب‌گرایانه شاه بود (بهمنی، ۱۳۸۸: ۲).

فروپاشی شوروی بسیاری از دولتمردان روسیه را متوجه ساخت که امریکا از تبدیل مجدد روسیه به یک قدرت جهانی حمایت نمی‌کند. در این راستا، توسعه روابط با ایران به عنوان کشوری که بیشترین ضدیت را با امریکا داشته است، در پی گسترش گرایش‌های ضد غربی روسیه از اهمیت بیشتری برخوردار گردید.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی شکاف ایدئولوژیکی را مطرح کرد که بر اساس آن ایالات متحده و اتحاد شوروی در نگرش کلی و جهانی «نه شرقی - نه غربی» ایران، بد شمرده می‌شدند. اما با این حال، سیاست خارجی جبهه‌گیرانه ایران، گرایش عمل‌گرایانه‌تری به خود گرفت. ایران سرانجام تصمیم گرفت روابط خود را با کشوری که «کمتر شیطان» بود با امضای یک پروتکل اقتصادی گسترده با مسکو در سال ۱۹۸۹ میلادی بهبود بخشد. جمهوری اسلامی ایران که با شعار «نه شرقی - نه غربی» سیاست خارجی خود را پایه‌گذاری کرده بود، توانست در چارچوب «تفکر نوین» گورباچف، روابط خود را با اتحاد شوروی گسترش دهد (عمادی، ۱۳۸۷: ۲).

با توجه به حساسیت غرب به ویژه ایالات متحده امریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران، شرایطی فراهم شد که روسیه بتواند با استفاده از اهرم روابط با ایران، از غرب و امریکا امتیاز بگیرد؛ در واقع ایران را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود در برابر غرب قرار دهد. در همین راستا، برای روسیه فروش راکتورهای هسته‌ای و تجهیزات نظامی به ایران،

شیوه‌ای برای اظهار استقلال و گرفتن امتیاز از غرب محسوب می‌شود. از طرف دیگر، ایران سعی دارد از روسیه برای مبارزه با فشارها و تحریم‌های امریکا و همچنین برای مقابله با سیاست‌های خصمانه کشورهای اروپایی و متحدان منطقه‌ای امریکا استفاده کند. جدای از عواملی که موجب روابط حسنه میان ایران و روسیه می‌شود، در مقابل عوامل دیگری هستند که سبب واگرایی در روابط ایران و روسیه می‌گردد. از جمله:

۱- نگرانی روسیه از دستیابی احتمالی ایران به تسلیحات هسته‌ای، زیرا در صورت تحقق این سناریو، روسیه در تیررس موشک‌های ایران قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، روسیه احتمال می‌دهد که ایران با دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، سیاست‌های به مراتب رادیکال‌تری را در پیش گیرد و به عنوان منبع الهام‌بخش برای مسلمانان ساکن روسیه تلقی شود؛

۲- انعقاد پیمان‌های متعدد دفاعی با کشورهای تازه استقلال‌یافته از سوی روسیه بر اساس سیاست «خارج نزدیک» که فرصتی است برای روسیه تا حاکمیت دریایی خود را با نیروهای نظامی‌اش در دریای مازندران اعمال کند و بتواند با بهره‌گیری هر چه بیشتر از ذخایر نفتی موجود اقتصاد خود را سامان بخشد (بهمنی، ۱۳۸۷: ۴ و شهبازی، ۱۳۸۶: ۲)؛

۳- اگرچه عده‌ای از مقامات ایرانی نسبت به آینده همکاری‌های ایران و روسیه امیدوارند، واقعیت‌های موجود بیانگر آن است که نمی‌توان به اهداف و نتایج مشخصی در این ارتباط نایل شد. شواهد موجود بیانگر آن است که روسیه هیچ گونه تمایلی به افزایش قدرت ملی ایران ندارد. از سوی دیگر، روسیه ترجیح می‌دهد که در ازای کاهش همکاری‌های خود با ایران، به امتیازاتی از سوی جهان غرب نیز نایل شود. الگوی روابط ناشی از بازی سه جانبه روسیه با ایران و جهان غرب نشان می‌دهد که آن کشور تمایل چندانی به حداکثر سازی روابط خود با ایران ندارد (متقی، ۱۳۸۸: ۳).

با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران به نیازهای امنیتی روسیه در درون فدراسیون

این کشور توجه می‌کند و از سوی دیگر، نسبت به نیازهای امنیتی آن کشور در آسیای مرکزی و قفقاز واقف است، شواهد نشان می‌دهد که روسیه به اقدام متقابل مبادرت نکرده و سطح روابط آن کشور با ایران در فضای جنگ سرد- صلح سرد در نوسان بوده است.

روابط ایران و چین

ایران و چین به عنوان دو شریک مهم در بعد استراتژیک محسوب می‌شوند. افزایش قدرت این دو دولت می‌تواند چالشی برای قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده باشد. اما به طور کلی روابط این دو کشور بر نوعی پیوندهای تاریخی استوار است و این یکی از جنبه‌های مهم روابط این دو کشور محسوب می‌گردد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روابط ایران و چین دستخوش تحولاتی گردید، چرا که از یک سو ایران با تسخیر لانه جاسوسی امریکا، مورد تحریم امریکا قرار گرفت و از سوی دیگر روابط چین در یک طرف با ایران و از طرف دیگر با امریکا به تازه گی گرم شده بود. بنابراین، کشور چین بر سر دو راهی قرار گرفت که در نهایت ایران را برگزید و از تأیید قطعنامه تحریم خودداری کرد. در زمان جنگ ایران و عراق، اهمیت چین برای رهبران ایران بیش از پیش آشکار شد. می‌توان گفت پکن در طول اکثر سال‌های جنگ تبدیل به تنها شریک بین‌المللی ایران شده بود؛ در واقع روابط دو کشور در طول دهه ۱۹۸۰م. متأثر از دو جنگ منطقه‌ای بیش از پیش تقویت شد (ملکی، ۱۳۸۶: ۱۰).

یکی از نگرانی‌های چین و ایران در منطقه، حضور امریکا در افغانستان، آسیا و خاورمیانه است به نحوی که این دو کشور را تقریباً در رابطه با مهار تأثیرگذاری واشینگتن در مناطق نزدیک به مرزهایشان به توافقی ضمنی رسانده است. در این چارچوب ایران، منطقه خلیج فارس را بخشی از دامنه نفوذ طبیعی خویش می‌داند، در حالی که چین سلطه‌گری امریکا در منطقه خلیج فارس را نوعی رویارویی میان مدت و بلندمدت علیه منافع چین تفسیر می‌کند. این نگرانی زمانی افزایش می‌یابد که سلطه‌گری امریکا در منطقه خلیج فارس باعث می‌شود واشینگتن بر تنها تنگه‌ای که از آن بیش از ۴۰ درصد از

منابع نفت جهان خارج می‌شود، نظارت پیدا کند. با توجه به نیازهای روزافزون چین به انرژی به خصوص بخش سوخت آن، این حضور هر روز بیش از گذشته مایه نگرانی رهبران چینی است.

روابط هسته‌ای ایران و پکن به اوایل دهه ۹۰ میلادی باز می‌گردد. در واقع چین یکی از شرکای مهم هسته‌ای ایران در دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷ میلادی محسوب می‌شود که در این زمینه مقامات هر دو طرف بارها تأکید کرده‌اند که خدمات و فناوری ارائه شده از سوی پکن، تنها کاربرد صلح‌آمیز داشته و بر اساس بندهای معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای صورت گرفته است. هر چند که در این زمینه بر اثر فشارهای امریکا همکاری با ایران را متوقف کرده‌اند. اما بعضی از شرکای چینی از جمله دو شرکت وابسته به ارتش آزادی‌بخش خلق چین و برخی مؤسسات صنایع شمالی چین «تورنیکو» حاضر به عدم همکاری با امریکا نبودند و از این جهت مورد تحریم قرار گرفتند (مادسن، ۱۳۸۶: ۳).

با این وجود چین همواره تأکید کرده است که ایران به تعهدات خود در رابطه با عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای پایبند بوده است. تحولات پس از ۱۱ سپتامبر و افزایش فشار امریکا بر پرونده هسته‌ای ایران، تهران را بر آن داشت تا خود را بیش از گذشته نیازمند چین بباید، به خصوص که چین در شورای امنیت می‌تواند از حق وتوی خود در موضوع تحریم ایران به نفع ایران استفاده کند. از طرف دیگر هم، چین به منابع انرژی منطقه به ویژه نفت ایران وابسته است؛ علاوه بر این چین در سال‌های اخیر به بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی در ایران تبدیل شده است. این انگیزه‌های اقتصادی خود می‌تواند برای مخالفت چین با هر نوع تحریم احتمالی علیه ایران مفید باشد (عامری، ۱۳۸۷: ۳).

در مجموع، روابط ایران و چین بسیار نزدیک است به طوری که هر بار که تصمیم جهانی مهمی در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران گرفته می‌شود، مدتی قبل از آن نشست سیاسی بین ایران و چین برگزار می‌شود. همچنین چین از نزدیک شدن ایران به سازمان شانگهای که خود، آن را برای مهار نفوذ واشینگتن در منطقه «اوراسیا» تشکیل داده، حمایت می‌کند و از این طریق ایران توانست کرسی‌های ناظر را در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی به دست

آورد. روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با چین می‌تواند اثر تهدیدها و تحریم‌های احتمالی علیه ایران را خنثی کند، این در حالی است که اگر روابط اقتصادی در احتکار اتحادیه اروپا بود، این تهدیدها می‌توانست برای تهران بسیار خطرناک باشد. به همین دلیل چین در سیاست نگاه به شرق ایران جایگاه برجسته‌تری یافته است.

روابط ایران و هند

از پایان جنگ سرد، دهلی نو آهسته اما مطمئن روابط گسترده‌ای را با تهران مبتنی بر همکاری در بخش انرژی و تجارت و تحولات زیربنایی در ایران و فراتر از آن روابط اطلاعاتی و نظامی ایجاد کرده است. از آنجایی که ایران دسترسی منحصر به فرد هند و آسیای مرکزی، در منطقه‌ای که هند در پی اعمال نفوذ گسترده‌تر در آن بوده را فراهم ساخته است، اهمیت ویژه‌ای را برای دهلی نو پیدا کرده است (کریستین فر، ۱۳۸۶: ۱).

هند نه فقط بر پایه توافقات مربوط به انرژی، بلکه به خاطر گسترش حضور خود در منطقه خاورمیانه و ارتباط بیشتر با کشورهای آسیای مرکزی، روابط گسترده‌ای را با تهران آغاز کرده است. این سیاست دهلی نو را می‌توان بر پایه سیاست «نگاه به شرق» خود برای توسعه حضور چند بعدی خود در خاورمیانه و همچنین یک نوع رقابت امنیتی با پاکستان دانست. سفر دکتر محمود احمدی‌نژاد به هند، پاکستان و سریلانکا از ابعاد مختلف قابل بررسی است. سه کشور مذکور اعضای مهم اتحادیه جنوب آسیا «سارک» هستند که در معادلات منطقه‌ای، نقش مهمی بازی می‌کنند. روابط جمهوری اسلامی ایران و سریلانکا دوستانه بوده و با آهنگ ملایمی، رو به توسعه و پیشرفت است. سریلانکا از جمله کشورهایی است که تاکنون در سازمان‌های بین‌المللی همکاری مثبت و خوبی با کشورمان داشته است. تاکنون هشت اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی میان دو کشور برگزار شده است. از آن جایی که سریلانکا با عدم تحقق وعده‌های برخی از کشورهای غربی مبنی بر کمک به توسعه و صلح و ثبات در سریلانکا روبه رو شده است، به تدریج مقامات این کشور را به در پیش گرفتن «سیاست نگاه به شرق» متمایل کرده است. در این راستا، سریلانکا سعی بر توسعه روابط با کشورهای هند، چین و پاکستان و افزایش

مناسبات سیاسی و اقتصادی با ایران نموده است (صدوقی، ۱۳۸۵: ۱۸).

علاوه بر این، سریلانکا به طور استراتژیک در اقیانوس هند قرار گرفته و هند، سریلانکا را نگهبان امنیتش در اقیانوس هند می‌داند و حضور قدرتمند ایران در سریلانکا در زمینه‌های استراتژیک نتایج مشخصی خواهد داشت. از طرف دیگر، فصل جدید روابط ایران و سریلانکا که بخشی از سیاست خارجی «نگاه به شرق» ایران است، توسط منوچهر متکی، وزیر امور خارجه ایران بیشتر به عنوان واکنشی در برابر تحریم‌ها و محدودیت‌های اعمال شده توسط غرب طراحی شده است. استراتژی «نگاه به شرق» امید خود را بر مبنای ایجاد روابط دوجانبه «برد-برد» با کشورهای غیرغربی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استوار کرده است. این استراتژی به وضوح زیرمجموعه‌ای از یک استراتژی جهانی است که اولویت آن برقراری روابط با کشورهای مختلف است. برای مثال: گسترش روابط در آسیا، آفریقا، آمریکای مرکزی و لاتین (کوبا، نیکاراگوئه و ونزوئلا) که آشکارا ضد آمریکایی هستند، در اولویت قرار دارد (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۲).

یک واقعیت مهم دیگر که می‌توان از آن به عنوان دستاورد سیاسی سفر احمدی‌نژاد به شبه قاره هند یاد کرد، این واقعیت است که آمریکا تلاش‌های آشکاری را برای تحمیل انزوای سیاسی ایران پیگیری می‌کند. این مطلب مورد اشاره رئیس جمهوری اسلامی ایران در پایان دیدار گفت و گو با نخست وزیر و رئیس جمهور هند بود که گفت قدرت‌های زورگو نمی‌توانند جلوی توسعه و پیشرفت ایران را سد کنند. از طرف دیگر، دولت هند نیز با رد درخواست‌های آمریکا نشان داد که به عنوان یک قدرت مهم منطقه‌ای و با انتظار تأثیرگذاری بر مناسبات قدرت جهانی در حفاظت از استقلال ملی‌اش، جدی است. با توجه به این گونه واقعیت‌هاست که می‌توان سفر احمدی‌نژاد به شبه قاره هند را ناکامی سیاست محاصره اقتصادی و سیاسی ایران تلقی کرد.

روابط ایران و پاکستان

شناخت دقیق و همه جانبه کشورهای همسایه و تحولات آن‌ها و چگونگی ارتباط و همکاری و در صورت لزوم، برخورد با آنان؛ از مسئولیت‌های سنگین دولت‌ها است. زیرا

امنیت و منافع ملی کشور در گرو اوضاع داخلی و شرایط پیرامونی و شرایط مرزی و تحت تأثیر منافع متعدد با کشورهای همجوار است. منافع بی‌ثبات همجوار خصوصاً در شرق کشور، باعث دغدغه‌ها و نگرانی‌های استراتژیکی شده است. عدم رشد دموکراسی و ناپایداری دولت‌های پیرامونی و عدم اقتدار عمومی و تأثیر تعصبات افراطی برخی از آن‌ها تا داخل ایران و نیز وجود بزرگ‌ترین قطب تولید مواد مخدر و انواع قاچاق در مرزهای شرقی، بر آسیب‌پذیری ایران افزوده است. مناسبات دو کشور ایران و پاکستان به دلایل متعددی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ایران از اولین کشورهایی بود که استقلال پاکستان را به رسمیت شناخت و در جنگی که پاکستان در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۶ میلادی با هند داشت، ایران به عنوان کشوری که در مجاورت پاکستان است، از آن کشور حمایت کرد. اما روابط دو کشور از سال ۱۹۹۰ میلادی دچار فراز و نشیب‌هایی شد؛ در واقع با حملات تروریستی در پاکستان و کشته شدن چند تن از ایرانیان، روابط این دو کشور تیره شد که این امر با روی کار آمدن طالبان بیشتر شد، اما سفر ژنرال مشرف در سال ۱۹۹۹ میلادی به تهران موجب شد تا روابط دو کشور بهبود یابد. حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله امریکا به افغانستان و بر چیده شدن طالبان سبب شد تا پاکستان دست از حمایت از طالبان بردارد و در جهت گسترش روابط با همسایگان تلاش کند. دیدار آقای خاتمی رئیس‌جمهور ایران در سال ۲۰۰۲ میلادی از پاکستان که بعد از ۱۰ سال انجام می‌شد، نقطه عطفی در بهبود روابط دو کشور بوده است که بعد از آن هم آقای جمالی‌نخست وزیر وقت پاکستان از تهران دیداری به عمل آورد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۴۵).

مسائل مختلفی بر روابط گسترده ایران و پاکستان تأثیر می‌گذارد، از آن جمله:

- ۱- مسئله افغانستان و دولت طالبان در واقع مشکل عمده روابط دو کشور بود که موجب سردی مناسبات و ایجاد سوء تفاهم‌های بزرگی گردیده بود. مشکلات کشور افغانستان سبب مهاجرت تعداد زیادی از مردم به این دو کشور شده بود. گرچه صلح و ثبات در افغانستان از اهداف مشترک دو کشور است، اما دو

کشور ایران و پاکستان در قبال افغانستان سیاست‌های متفاوتی را دنبال می‌کردند. ایران از ائتلاف شمال حمایت می‌کرد و برخی از احزاب پاکستان از طالبان حمایت می‌کردند. اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بود که پاکستان دست از حمایت طالبان برداشت و در جهت گسترش روابط با کشورهای همجوار تلاش کرد؛

۲- فعالیت‌های اقتصادی، یکی از بخش‌های اصلی روابط تهران - اسلام‌آباد را تشکیل می‌دهد. در کنار مناسبات تجاری و بازرگانی، اجرای پروژه خط لوله صلح را باید محور اصلی روابط اقتصادی طرفین دانست که در آخرین سفر محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری ایران به پاکستان، پروژه خط لوله صلح یکی از موضوعات مورد بحث بود که در این زمینه سه کشور ایران، هند و پاکستان به توافقاتی رسیدند؛

۳- از دغدغه‌های مشترک دو کشور، تحولات پیرامون جهان اسلام و لزوم وحدت میان مسلمانان است. ایران به عنوان کشوری که با کشورهای اسلامی عربی خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز ارتباط گسترده‌ای دارد و پاکستان به عنوان پل ارتباطی کشورهای اسلامی خاورمیانه و شرق آسیا (اندونزی و مالزی)، می‌تواند تأثیر بسزایی در اتحاد جهان اسلام داشته باشند. اقدام مشترک برای بررسی تحولات افغانستان، لبنان، عراق و فلسطین به عنوان محورهای چالش‌های جهان اسلام و مقابله با تبلیغات ضد اسلامی غرب می‌تواند از جمله اقدامات اجرایی از سوی دو کشور برای تحقق اهداف جهان اسلام باشد؛

۴- همکاری در اتحادیه‌های منطقه‌ای نظیر شانگهای، طرح مشترک مبارزه با تروریسم با محوریت ایران، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان، اجرای طرح‌های مشترک در مبارزه با اشراک در مناطق مرزی، حضور فعال در مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه در زمینه صلح خاورمیانه، مسئله فلسطین، عراق و ... از محورهای مناسبات دو کشور ارزیابی می‌گردد؛

۵- ایران و پاکستان بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز را در دستور کار دارند. با توجه به توانمندی‌های دو کشور در این زمینه، همکاری آن‌ها می‌تواند زمینه‌ای برای تحقق اهداف صلح‌آمیز آن‌ها در استفاده از انرژی هسته‌ای به ویژه در امور پزشکی و تحقیقاتی باشد. مشرف همواره از فعالیت‌های هسته‌ای ایران حمایت کرده و ضمن مخالفت با هر گونه اقدام خصمانه علیه تهران، بر بهره‌گیری دو کشور از تجربیات متقابل جهت استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای تأکید نموده است (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۴۷، غفوری، ۱۳۸۵).

۶- با توجه به وقوع سیل در پاکستان، دولت ایران به عنوان کشور همسایه نقش بسزایی را در کمک‌رسانی به سیل‌زدگان و آوارگان این کشور داشته است. این امر علاوه بر این که در گسترش روابط ایران و پاکستان مؤثر است، نشان از تلاش ایران در ایجاد صلح و امنیت در منطقه نیز دارد که این امر در منطقه و برای همسایگان به امری مسلم و مشهود تبدیل شده است.

دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای در دولت نهم

از زمان آغاز به کار دولت نهم، توجه به همکاری‌های منطقه‌ای به ویژه با کشورهای شرق افزایش یافت که در قالب تئوری نگاه به شرق مورد توجه قرار گرفته است. همسو کردن منافع اقتصادی و سیاسی کشور از طریق همکاری‌های سیاسی و نیز انجام قراردادهای اقتصادی با این کشورها مبنای اصلی این رویکرد است.

سیاست نگاه به شرق، فقط در روابط دو جانبه خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به دنبال تقویت همکاری‌های منطقه‌ای کشور است که بر مبنای منافع اقتصادی شکل گرفته است. در واقع باید گفت همکاری صرف سیاسی و امنیتی نمی‌تواند تضمین‌کننده آینده روابط منطقه‌ای و دو جانبه با کشورهای مختلف گردد (شیخ‌عطار، ۱۳۸۵: ۵).

دولت فعلی اقتصاد را در خدمت دیپلماسی می‌خواهد و بر این اساس تلاش می‌کند وابستگی کشور نسبت به بلوک‌هایی که همکاری لازم را در مسائل سیاسی ندارند، کمتر شود و در مقابل توجه به آسیا و کشورهای شرقی که تناسب بیشتری با ما دارند، در

دستور کار قرار گیرد و بسیاری از همکاری‌ها با کشورهای مثل مالزی، چین، ژاپن و روسیه صورت گیرد که البته این مهم در قالب پیمان‌های منطقه‌ای پیگیری خواهد شد.

شکل‌گیری ساختار امنیت دسته‌جمعی آسیایی

یکی از اساسی‌ترین عناصر لازم برای ایجاد همبستگی آسیایی، تضمین امنیت و بقا کشورهای این قاره در تعاملاتشان با یکدیگر می‌باشد. بدون تضمین امنیت متقابل در میان کشورهای این قاره، آینده همبستگی آسیایی و توفیق آسیای نو با چالش‌های بنیادین مواجه خواهد شد. بر این اساس، تأمین و تضمین امنیت و ثبات در سراسر آسیا و برای تمامی کشورهای این قاره از جمله مهمترین مواردی است که باید برای رشد و تکامل آسیای نو، ایجاد و تقویت شود. طراحی و استقرار یک سیستم امنیت دسته‌جمعی آسیایی با هدف مدیریت بحران به منظور حل و فصل مناقشات و جلوگیری از بروز تجاوزات، جنگ‌ها و عملیات تروریستی، اقدامی اساسی است که باید برای تحقق آن از ظرفیت‌های موجود در آسیا استفاده کرد.

ایجاد یک ساختار امنیتی فراگیر در آسیا می‌تواند از طریق برقراری ثبات و امنیت، زمینه‌های لازم برای تقویت سایر ساختارهای مادی آسیای نو را تحکیم و تعمیق بخشد. مسئله مهم دیگر در مدیریت تغییر در آسیا، تقویت روند نهادینگی امور است. البته تلاش کشورهای منطقه جهت نهادینه‌سازی مدیریت مسائل به وضوح قابل مشاهده است، اما روند نهادینه‌گی باید با سرعت تغییرات، هماهنگ باشد تا بتواند پاسخ درخوری به مسائل ناشی از تحولات ارائه کند. تقویت نقش سازمان‌های موجود در این منطقه و نیز ایجاد سازمان‌های جدید، گام‌های مثبت و مهمی در این مسیر به شمار می‌آیند.

از منظر تاریخی نگرش دولت‌های بزرگ غربی و دخالت آنها به ویژه آمریکا و انگلیس باعث بی‌نظمی امنیتی و اختلاف در برخی از مناطق آسیا و برهم زنده توازن و تعادل در آسیا بوده است. روابط میان کشورهای آسیایی بر مبنای اصل منافع مشترک قرار ندارد. تنوع ملیت‌ها و قومیت‌ها، ضعیف بودن کثرت‌گرایی و مهمتر از همه نامشخص بودن مفاهیم صلح، امنیت و تهدید؛ باعث شده است که راهبردهای مشترک امنیتی تعریف

نشود. در آسیا نگاه بیرونی به ژئوپولیتیک انرژی، بحران‌های منطقه‌ای، رقابت قدرت‌های آسیایی و دخالت قدرت‌های جهانی موجب شده است که ترتیبات امنیت جمعی در این قاره شکل نگیرد. به نظر می‌رسد در شرایط جدید جهانی قدرت‌های بزرگ و متوسط آسیایی لازم است از این فرصت استفاده کنند و به سوی این هدف مهم گام‌هایی را بردارند (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۰).

احیای جهت‌گیری سیاست خارجی جنوب- جنوب

در نیمه دوم دولت نهم، ایران نگاه به جنوب را در سیاست خارجی خود اتخاذ نمود که این استراتژی در کنار استراتژی نگاه به شرق و در راستای آن انجام گرفته است. هدف ایران ارتباط با کشورهای جنوب به ویژه با کشورهای آمریکای لاتین (ونزوئلا، بولیوی، نیکاراگوئه و...) می‌باشد. این کشورها با توجه به سیاست‌های امپریالیستی و ایده‌های ضد اقتصاد آزاد خود و همچنین ایجاد طرحی موسوم به «آلبا»، درصدد مقابله با طرح آمریکایی تجارت آزاد موسوم به «آلکا» شده‌اند تا با گسترش نتولیرالیسم در منطقه به مقابله برخیزند.

روابط ایران با این کشورها تا پیش از انقلاب اسلامی بیشتر تحت تأثیر نظام بین‌الملل و جنگ سرد و نیز روابط ابر قدرت‌ها بود. در آن زمان نزدیکی ایران با کشورهای آمریکای لاتین به عنوان متحدین آمریکا ضروری بود. تناسب ارزشی و حتی نوع حکومت‌ها نیز دو طرف را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌ساخت. اما پس از انقلاب اسلامی و با خروج ایران از اردوگاه غرب، ویژگی استقلال‌خواهی بر کشور حاکم شد. این امر سبب جبهه‌گیری غرب و شرق علیه ایران گردید. ارتباط داشتن با کشورهای آمریکای لاتین در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، فرصت مناسبی را پیش روی ایران می‌گذارد. اما از یک طرف این کشورها به دلیل ماهیت دوگانه‌ای که در روابط خارجی خود با ایران دارند و از سوی دیگر این کشورها از قدرت کافی برای حمایت از سیاست‌های ایران برخوردار نیستند و به تنهایی نمی‌توانند وزنه‌ای در برابر قدرت‌های بزرگ باشند؛ به ویژه این که از لحاظ ایدئولوژی هم میان ایده‌های جمهوری اسلامی ایران با حکومت

سوسیالیستی آمریکای لاتین تفاوت وجود دارد، از این رو اتکای دائم به این کشورها به صلاح ایران نیست. شاید بتوان گفت روابط ایران با این کشورها بیشتر بر اساس بعد شخصیتی رهبرانی چون چاوز، مورالس، و یا ارتگا و ... شکل گرفته است.

از این رو اتخاذ سیاست نگاه به شرق در مقایسه با نگاه به جنوب، عملکرد بهتری می‌تواند داشته باشد. چرا که کشورهای شرقی هم از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیشرفته‌تر هستند و هم این که از این جهات قرابت بیشتری را با ایران دارند و از وزنه تعادلی سنگین‌تری نسبت به کشورهای آمریکای لاتین در برخورد با غرب برخوردار هستند. اما جدا از وضعیت کشورهای آمریکای لاتین، توجه به این نکته ضروری است که هدف سیاست خارجی ایران؛ ایجاد ارتباط با نقاطی از جهان است که در صورت عدم تعادل از یک سو بتواند روی وزنه تعادل دیگر تکیه کند.

نتیجه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخاسته از اصول و مبانی ثابتی است که با توجه به مقتضیات و شرایط جهانی، تاکتیک‌های لازم را برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده در راستای منافع ملی اتخاذ می‌نماید. سیری که جمهوری اسلامی ایران ترسیم کرده، در جهت توسعه صلح و امنیت در منطقه و گسترش همکاری با همه کشورها به جز رژیم صهیونیستی است. دولت در دو دوره اخیر با استفاده از یک دیپلماسی فعال و بهره‌مندی از قدرت نرم در جهت اهداف سیاست خارجی، علاوه بر گسترش روابط با کشورهای همسایه، منطقه و جهان و حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی؛ در جهت توسعه تجاری و ایجاد بازار برای محصولات ایرانی در کشورهای دیگر نیز عملکرد بسیار مثبتی داشته است. به موازات این تلاش‌ها، سیاست نگاه به شرق می‌تواند به عنوان یک وزنه تعادل در برابر غرب مورد استفاده قرار گیرد. کشور ایران با توجه به قابلیت‌هایش، می‌تواند در سیاست نگاه به شرق خود به موفقیت‌هایی دست یابد. بسیاری از کشورها علی‌رغم این که در منطقه آسیا واقع نیستند، به استفاده از مزیت‌های موجود در این منطقه علاقمندند. ما نیز باید نهایت استفاده را از این مزیت‌ها به عمل آوریم. اما باید این نکته را مورد توجه

داشته باشیم که ممکن است در سیاست نگاه به شرق با محدودیت‌هایی مواجه شویم، چرا که از یک طرف بیشتر کشورهای آسیایی رو به سمت غرب دارند و با توجه به روابطی که ما با غرب به ویژه با امریکا داریم، می‌بایست به تنوریزه کردن سیاست نگاه به شرق بپردازیم که این امر مستلزم باور و اعتماد کشورهای آسیایی به این سیاست ما است. ایران می‌تواند با حفظ اصول و ارزش‌های خود، تقابل با غرب و حتی جهان را تعدیل کند.

بر اساس همین رویکرد است که ایران سیاستی چند جانبه را با نقاط مختلف جهان ایجاد کرده است که نمونه آن را می‌توان ارتباط با کشورهای جنوب نام برد. در واقع ایران سعی دارد تا وزنه تعادل با غرب را در اکثر مناطق جهان ایجاد کند؛ هر چند که کشورهای جنوب نسبت به مناطق شرق و جنوب شرقی آسیا از وزنه کمتری برخوردارند ولی می‌توان این رویکرد را به عنوان تاکتیکی در نظر گرفت که در جهت مقابله با غرب به کار می‌رود.

منابع

- احدی، افسانه (۱۳۸۵)، «رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **تشریح پژوهش**، شماره ۵، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک، قابل دسترسی در آدرس:
<http://www.csr.ir/departments.asp?lng=fa&abtid=06&depid=44&semids=494>
- احدی، افسانه (۱۳۸۵). «فرصت‌های ایران در همکاری با کشورهای فارسی زبان»، **تشریح پژوهش**، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات استراتژیک، قابل دسترسی در آدرس:
<http://www.csr.ir/departments.asp?lng=fa&abtid=07&depid=428>
- سعید، ادورد (۱۳۷۱)، **شرق‌شناسی**، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- استیولی میرز (۱۳۸۶)، «نگاه به شرق ایالات متحده»، **پایگاه اطلاع‌رسانی الف**، قابل دسترسی در آدرس:
<http://www.alef.ir/contet/view//5975/>
- اصغری، فرامرز (۱۳۸۶)، «افول غرب و احیای شرق»، **پایگاه اطلاع‌رسانی سیاست روز**، قابل دسترسی در آدرس:
<http://www.siasatrooz.ir/CNewsRDetail.aspx?QSCNDId=17848&QSDNId=154>
- اصفهانی، علی رضا (۱۳۸۶). «سیاست خارجی دولت نهم: مؤلفه‌ها و دستاوردها»، **پایگاه اطلاع‌رسانی عصرایران** قابل دسترسی در آدرس:
<http://www.asriran.com/view.php?id=37444>
- امین‌زاده، محسن (۱۳۸۷)، «ایران آسیایی‌تر از همیشه»، **پایگاه اطلاع‌رسانی ایران دیپلماسی**، قابل دسترسی در آدرس:
<http://www.irdiplomacy.ir/index.php?lang=fa&pay=26&DwritingID=58&Action=Dwriting Body view>

- تاجیک محمدرضا (۱۳۸۰)، **مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: رهیافت‌ها و راهبردها**، تهران: فرهنگ گفتمان.
- ترک‌زهرانی، مصطفی (۱۳۸۵)، «نگاهی بر مسائل سیاست خارجی ایران»، برگرفته از: **نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، مجری طرح: نسرين مصفا با همکاری حسین نوروزی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- چگینی‌زاده، مهدی (۱۳۸۵)، «آسیب‌شناسی مدیریت استراتژیک ملی»، برگرفته از: **نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، مجری طرح: نسرين مصفا با همکاری حسین نوروزی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- حسینی، محمدعلی (۱۳۸۶). «مؤلفه‌های کارآمدی سیاست خارجی دولت نهم»، **گزارش جمهور؛ ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه جمهور**، سال اول، شماره ۷ و ۶.
- حسن خانی، محمد (۱۳۸۴)، «دیپلماسی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، **دو فصلنامه دانش سیاسی**، شماره ۲.
- حسینی، محمدعلی (۱۳۸۷)، «کارنامه سیاست خارجی ایران»، **پایگاه اطلاع‌رسانی رجانوز**، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.raja news.com/news/?25781>
- حمیدی، محمد (۱۳۸۵)، «دیپلماسی، ذهنیت‌سازی و پرونده هسته‌ای ایران»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، سال بیستم، شماره ۷-۸.
- زارعی، مجتبی (۱۳۸۶)، «گذار دولت نهم از سطح سیاست به فرهنگ در روابط ایران و اعراب»، **گزارش جمهور ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه جمهور**، سال اول، شماره ۱۱-۱۰.
- _____ (۱۳۸۵)، **سیاست نگاه به شرق، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام**، (۱۵ شهریور ۱۳۸۵)، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.csr.ir/departments.aspx?ng=fa&ababtid=o/&&depid=44&&semid=18>
- شایگان، داریوش (۱۳۷۱)، **آسیا در برابر غرب**، تهران: انتشارات باغ آینه.
- شعیب، بهمنی (۱۳۸۷)، «ایران و روس متحد یا رقیب»، **پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه مطالعات ایران و اورسیا**، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.iras.ir/Default-view.asp?@=/047>
- شفیعی، نودر (۱۳۸۵)، «تبین و امکان‌سنجی نگاه به شرق»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهارم، شماره ۲.
- شیخ‌عطار، علیرضا (۱۳۸۵)، «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در همکاری‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران؛ همراهی دیپلماسی و اقتصاد»، **همشهری دیپلماتیک**، ۳ خرداد ۱۳۸۵.
- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۵)، «چشم‌انداز نقش هند در محیط امنیتی- استراتژیک جمهوری اسلامی ایران»، **تشریح راهبرد دفاعی**، سال چهارم، شماره ۱۳.
- عامری، رضا (۱۳۸۵)، «چین و ایران: اختلاف در مشرب‌های سیاسی و توافق در منابع»، **پایگاه اطلاع‌رسانی ایران در جهان**، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.irandarjahan.net/spip?article=81>
- عامری، ناصر و احدی، افسانه (۱۳۸۷)، **ایران و سیاست نگاه به شرق**، گروه پژوهش‌های سیاست خارجی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- عمادی، سید رضی (۱۳۸۷)، «بازی ناتمام ایران در روسیه»، **پایگاه اطلاع‌رسانی باشگاه اندیشه**، قابل دسترسی در

- آدرس: <http://www.bashgah.net/pages-7376.htm/>
- غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۶)، «دستاوردهای هسته‌ای دولت نهم»، *فصلنامه تخصصی در حوزه فرهنگ و سیاست مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری*، سال اول، شماره ۱.
 - غفوری، قاسم (۱۳۸۵)، «ایران و پاکستان در راه تحکیم روابط»، *پایگاه اطلاع‌رسانی همدهدبلاغفا*، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.hod.hod.blogfa.com/post-485.aspx>
 - فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۵)، «نگاهی به روابط ایران و پاکستان»، از کتاب *تکاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، مجری طرح: نشرین مصفا با همکاری حسین نوروزی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
 - قمری، مرتضی (۱۳۸۶)، «بحران در خانه دشمن، بررسی برآورد جامعه اطلاعاتی امریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران»، *گزارش جمهور ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه جمهور*، سال اول، شماره ۱۲.
 - کربستین فر، سی (۱۳۸۶)، «منافع هند و ایرانی»، *پایگاه اطلاع‌رسانی باشگاه اندیشه*، قابل دسترسی در آدرس: <http://bashgah.net/pages-11965.htm/>
 - گوهری مقدم، ابودر (۱۳۸۶)، «شرق‌شناسی و رویکرد رسانه‌ای به مسأله هسته‌ای ایران»، *پایگاه اطلاع‌رسانی الف*، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.alef.ir/content/view/18809/83>
 - مادسن، جولیان (۱۳۸۶)، *جایگاه ایران در محاسبات استراتژیک چین*، مترجم علی حسین زاده، مرکز پژوهش‌های خلیج فارس (امارات). ۲۰۰۷/۶/۱۲.
 - ملکی، عباس (۱۳۸۶)، «جمهوری اسلامی ایران و سازمان همکاری شانگهای»، *پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه مطالعاتی خزر*، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.caspianstudies.com/foreignpolicy/my%20article/persian/20article/shanghai.doc>
 - متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «صلح سرد در روابط ایران و روسیه»، *پایگاه اطلاع‌رسانی آفتاب*، قابل دسترسی در آدرس: http://www.aftab.ir/articles/politics/plitical_history/c1c1257665957_iran_russia_p1.php
 - هادیان ناصر (۱۳۸۵)، «دیپلماسی ایران و مسائل هسته‌ای ایران»، برگرفته از کتاب *تکاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، مجری طرح: نشرین مصفا با همکاری حسین نوروزی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
 - هرمیداس باوند، داود (۱۳۸۵)، «مواضع جمهوری اسلامی ایران در مورد انرژی هسته‌ای»، برگرفته از کتاب *تکاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، مجری طرح: نشرین مصفا با همکاری حسین نوروزی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
 - واعظی، محمود (۱۳۸۶)، «الگوی آسیایی امنیت انرژی: مسیری برای همکاری»، *پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه مطالعاتی خزر*، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.caspianstudies.com/foreignpolicy/my%20article/persian/20article/shanghai.doc>
 - واعظی، محمود (۱۳۸۶)، «تغییر در آسیا، به سوی همکاری و هویت مشترک»، *نشریه پژوهش*، شماره ۶، پژوهشکده مطالعات استراتژیک، گروه مطالعات سیاست خارجی.
 - واعظی، محمود (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگهای و ایران: نگاه درازمدت»، *همشهری دیپلماتیک*، ۳ خرداد ۱۳۸۵.